

پنداره وجود توثیق عام برای مشایخ جعفر بن بشیر بجلی

تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۲۳ تاریخ تأیید: ۹۴/۸/۵

محمدصادق بخشی جویباری*

چکیده

رجالیان در بازشناسی حال راویان و بحث در باره وثاقت و یا ضعف ایشان افزون بر توثیقات فردی و خاص گاه در مواردی با استناد به قواعدی کلی و فراگیر، گروهی از راویان را در شمار موثقان وارد کرده و به اعتبار روایانشان حکم نموده‌اند. واکاوی دقیق برخی توثیقات عمومی از جمله مسائلی است که در مطالعات راوی شناسی از اهمیت بسزائی برخوردار است. توثیق مشایخ جعفر بن بشیر بجلی از جمله اموری است که از سوی برخی علمای متأخر به عنوان توثیقی فراگیر تحت ضابطه‌ای خاص معرفی شده است. پژوهش حاضر پس از شناسائی شخصیت رجالی و حدیثی جعفر بن بشیر و گزارشی از نظریه «توثیق مشایخ جعفر بن بشیر»، به نقد این نظریه پرداخته است. این نظریه دارای بازتاب‌های گوناگونی در بین رجالیان متأخر امامی بوده داشته است. به گونه‌ای که برخی معتقد به وثاقت تمام استادان جعفر بن بشیر شده و برخی دیگر به علت وجود اشکالات چند، آن را غیر معتبر دانسته‌اند. ناگفته پیداست که در صورت پذیرش این نظریه بخشی از راویان مجهول الحال را باید در شمار ثقات دانست و بسیاری از روایات بدینسان از ضعیف به صحیح رخ می‌نمایانند. پژوهش حاضر با بررسی دلایل طرفداران این نظریه - با تکیه به یافته‌های رجالی و حدیثی - نا تمامی نظریه را اثبات نموده است. از اینرو، مشایخ جعفر بن بشیر همانند دیگر راویان نیاز به اثبات و احراز وثاقت دارد.

کلیدواژه‌ها: جعفر بن بشیر، مشایخ، مشایخ ثقات، توثیقات عام.

درآمد

از کارکردهای دانش رجال شناخت حال راویان سند احادیث است. از این رو، رجالیان برای شناخت حال و اوصاف راویان افزون بر توثیقات فردی و خاص، در مواردی، با استناد به قواعدی کلی و فراگیر، گروهی از راویان ناشناخته را به عرصه موثقان وارد کرده، و به دنبال آن می‌توان حکم صحت براسناد روایتشان بار نمود. مواردی همچون توثیقات مشایخ اصحاب اجماع، مشایخ ثقات سه گانه، توثیق تمام وکیلان ائمه، مشایخ اجازه، مشایخ احمد بن محمد بن عیسی اشعری، مشایخ ابن قولویه در کامل الزیارات، و... هم چنین قاعده «توثیق مشایخ جعفر بن بشیر» و توثیقاتی از این دست از جمله قواعد فراگیری است که رجالیان با استناد به آنها به تائید گروهی از راویان پرداخته‌اند، توثیق مشایخ جعفر بن بشیر از جمله اموری است که از سوی برخی علما به عنوان توثیقی فراگیر و گسترده معرفی شده است. این گونه قواعد رجالی را می‌توان از ابداعات رجالیان متاخر دانست که با تکیه بر مستندات رجالیان و محدثان متقدم شکل گرفته‌اند.

در این مباحث، بیش از اعتبار خود این افراد، از وثاقت گروهی از راویان – که زیر مجموعه ضابطه خاصی هستند – بحث می‌شود. این قاعده در گذر زمان عکس العمل‌های متفاوتی را در بین اندیشوران رجالی شیعه به دنبال داشته است؛ برخی آن را پذیرفته و فوایدی را برایش در نظر گرفته‌اند و برخی دیگر، به جهت اشکالات چندگانه، چون خدشه در مستندات توثیق، وجود موارد نقض، بر توثیق عام وارد نموده و آن را از درجه اعتبار ساقط کرده‌اند. پژوهش پیش رو، پس از ذکر نظریات موافقان این قاعده فراگیر و مخالفان آن، و پس از بررسی مستندات این توثیق و اشکالات وارده، در پی اثبات عدم اعتبار این توثیق عام هستم.

پیشینه پژوهش

با تتبعی که نگارنده داشته است به نظر می‌رسد که پس از نجاشی رجالی معروف سده پنجم تا قبل از قرن دوازدهم، نظریه «توثیق مشایخ جعفر بن بشیر بجلی» مطرح نبوده است. نخستین کسی که این نظریه را طرح و پایه گذاران بوده و آن را پذیرفت و در تعلیقه‌اش بر منهج المقال در شرح حال برخی راویان روایت جعفر بن بشیر از آنان را نشانه وثاقت دانسته^۱ وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵ق) است. آپس از ایشان برخی رجالیان با طرح بحث‌های مستقل و یا ضمنی، به این بحث اشاره کرده‌اند. در میان اندیشمندان معاصر می‌توان به مباحث آیت الله خویی در معجم رجال الحدیث،^۲ آیت الله سبحانی در کلیات فی علم الرجال،^۳ و آیت الله داوری در اصول علم رجال،^۴ و آیت الله ابطحی در تهذیب المقال،^۵ تقریرات درس رجال محقق ارجمند استاد سید جواد شبیری،^۶ و شیخ سند در کتاب بحوث فی مبانی علم الرجال،^۷ اشاره کرد. و نیز در لابلای

۱. تعلیقه علی منهج المقال: ص ۵۶ و ۱۱۰ و ۱۱۲ و ۱۲۳ و ۱۵۸ و ۱۶۰ و ۱۷۵ و ۱۷۷ و ۲۳۰ و....

۲. فوائد الرجالیه ضمن رجال الخاقانی: ص ۴۸، تعلیقه علی منهج المقال: ص ۲۷.

۳. معجم رجال الحدیث: ج ۱ ص ۶۸.

۴. کلیات فی علم الرجال: ص ۲۷۹.

۵. اصول علم الرجال: ج ۲ ص ۲۳۰.

۶. تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال النجاشی: ج ۱ ص ۱۱۶ و ج ۴ ص ۳۱۵.

۷. برخی از نگاشته‌های درس رجال محقق ارجمند، استاد سید جواد شبیری زنجانی (مد ظله). در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) موجود است. آرای او در زیر نویس این مقاله با عنوان درس گفتارهای معظم له ارجاع داده شده است.

۸. بحوث فی مبانی علم الرجال: ص ۱۴۰.

نگاشته های برخی فقیهان متاخر ذیل روایت جعفر بن بشیر به اثبات یا رد قاعده مذکور اشاره کرده‌اند.^۱ تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، نگاشته مستقلی که به ابعاد مختلف نظریه، ادله و شواهد آن پرداخته باشد، به نگارش در نیامده است؛ هر چند بن مایه های از آن در برخی آثار رجالی به صورت محدود قابل دست یابی است. ناگفته پیداست این پژوهش ها تا کنون در لابلای کتابهای رجالی معاصران سامان یافته است. این نگاشته در پی آن است که به ادله احتمالی، شبهات و گمانه‌ها پاسخ دهد، و با بیانی جدید و متفاوت از آنچه که تا کنون در منابع رجالی آمده است این نظریه را بررسی کند.

خاستگاه توثیق مشایخ جعفر بن بشیر بجلی

به نظر می‌رسد، آنچه که موجب این گمانه شد که تمامی مشایخ جعفر بن بشیر ثقه‌اند منشا آن را می‌توان در کلمات قدما جستجو کرد. نخست نجاشی در رجالش در شرح حال جعفر بن بشیر بجلی آورده است که ایشان از راویان ثقه و راویان ثقه از او روایت کرده‌اند هر چند این سخن صراحت در توثیق مشایخ ایشان ندارد ولی احتمال می‌رود که نجاشی با استقرا در احادیث ایشان به این نتیجه رسیده باشد که مشایخ وی همگی ثقه‌اند. دیگری شیخ طوسی در کتاب «عده الاصول»، در بحث حجیت خبر واحد درباره ثقات سه گانه و غیر آن گفته است:

إِذَا كَانَ أَحَدُ الرَّاَوِيَيْنِ مَسْنُودًا وَالْآخَرُ مَرْسِلًا، نُظِرَ فِي حَالِ الْمَرْسِلِ؛ فَإِنْ كَانَ مَمَّنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَرْسِلُ إِلَّا عَنِ ثِقَةٍ مَوْثُوقٍ بِهِ، فَلَا تَرْجُحُ لَخَبْرٍ غَيْرِهِ عَلَى خَبْرِهِ؛ وَ لِأَجْلِ ذَلِكَ سَوَّتِ الطَّائِفَةَ بَيْنَ مَا يَرَوِيهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَمِيرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ وَ غَيْرِهِمْ مِنَ الثَّقَاتِ الَّذِينَ عُرِفُوا بِأَنَّهُمْ لَا يَرَوُونَ وَ لَا يَرْسِلُونَ إِلَّا عَمَّنْ يَوْثُوقُ بِهِ، وَ بَيْنَ مَا أَسْنَدَهُ غَيْرُهُمْ؛ وَ لِذَلِكَ عَمِلُوا بِمَرَاسِلِهِمْ إِذَا انْفَرَدُوا عَنِ رِوَايَةِ غَيْرِهِمْ وَ أَمَا إِذَا لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ وَ يَكُونُ مَمَّنْ يَرْسِلُ عَنِ ثِقَةٍ وَ عَنِ غَيْرِ ثِقَةٍ فَإِنَّهُ يَقْدَمُ خَبْرُ غَيْرِهِ عَلَيْهِ، وَ إِذَا انْفَرَدَ وَجِبَ التَّوَقُّفُ فِي خَبْرِهِ إِلَى أَنْ يَدُلَّ دَلِيلٌ عَلَى وَجُوبِ الْعَمَلِ بِهِ.^۲

چنان که یکی از دو راوی، روایت را به طور مسند و راوی دیگر به طور مرسل نقل کند، به مرسل نگاه می‌شود؛ اگر راوی مرسل از کسانی باشد که ارسال نمی‌کند مگر از ثقه‌ای که مورد اطمینان باشد، ترجیحی میان روایت غیر او و روایت او وجود ندارد و به همین سبب است که علمای امامیه میان آنچه محمد بن ابی‌عمیر و صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی‌نصر و ثقات دیگر آورده‌اند و آنچه غیر این بزرگواران به طور مسند ذکر کرده‌اند، یکسان برخورد کرده‌اند و از این رو به مراسیل این بزرگان زمانی که از روایت غیر آنها منفرد باشند، عمل کرده‌اند. اما اگر راوی شخصی باشد که هم از ثقه و هم از غیر ثقه نقل و ارسال می‌کند، روایت مسند بر آن مقدم می‌شود. و اگر خبری را به تنهایی به نحو مرسل نقل کند، باید در خبر او توقف کرد، مگر جایی که دلیلی بر وجوب عمل به آن

۱. وسائل الشیعه: ج ۲۹ ص ۲۲۲، ریاض المسائل: ج ۱ ص ۳۶۷، قاعدة لاضرر ولا ضرار (سیستانی): ص ۱۹

۲. عده الاصول: ج ۱، ص ۱۵۴.

وجود داشته باشد.

بدینسان، برخی رجالیان و محدثان با توجه به ادعای شیخ طوسی بر این باورند بین احادیث مسند سایر راویان و مرسلات مشایخ سه گانه و همچنین دیگر موثقانی که به این روش معروف شده‌اند - که تنها از ثقات نقل حدیث کرده‌اند - فرقی قائل نیستند. توضیح مطلب آن که اگرچه از تعبیر شیخ طوسی سخنی از مشایخ جعفر بن بشیر به میان نیامده است، اما پس از یادکرد ثقات سه گانه، از عبارت «و غیر هم من الثقات» تعمیم آن به دیگر ثقات استفاده می‌شود. بدین ترتیب عبارت یاد شده بیانگر آن است که دیگر راویانی هم هستند که دارای ویژگی‌های همسان با ثقات سه گانه‌اند و ملحق به آنند.

مناسب است یاد آور شوم بر داشت‌ها از سخن شیخ طوسی یکسان نیست. برخی بر این باورند که مقصود از «غیر هم من الثقات» اصحاب اجماع است.^۲ گمانه دیگر بر این استوار است مراد از «غیر هم» در کلام شیخ طوسی، راویان و محدثانی‌اند که همسان مشایخ ثقات‌اند،^۳ چون جعفر بن بشیر، محمد بن اسماعیل زعفرانی، احمد بن محمد بن عیسی اشعری، خاندان فضال و مانند ایشان، بنابر این بعید نیست که عبارت شیخ طوسی انصراف به افرادی چون جعفر بن بشیر نداشته باشد. قبل از تبیین مستندات و دلایل توثیق مشایخ وی، نخست به اختصار به شرح حال رجالی و حدیثی جعفر بن بشیر اشاره گردد.

یک. شخصیت شناسی

برای تبیین بیشتر نظریه «وثاقت اسنادان جعفر بن بشیر» ناگزیریم نیم‌نگاهی به شخصیت رجالی و حدیثی وی نماییم:

جعفر بن بشیر بجلي و شاء،^۴ کنیه او ابو محمد است. محدث، فقیه و از برجسته‌ترین روایتگران شیعه در نیمه دوم قرن دوم هجری است. در میان رجالیان تنها نجاشی او را به لقب و شاء توصیف کرده است.^۵ که به نظر برخی رجالیان اشتباه است.^۶ وی به قبیله بجلي منسوب است. بجلي، نسبت شمار بسیاری از محدثان شیعه از راه نسب یا ولاء به این قبیله است.^۷ جعفر بن بشیر در کوفه می‌زیست از خاندان وی اطلاع چندانی در دست نیست. برخی نام پدرش را بشیر دهان دانسته‌اند که از مشایخ روایی جعفر به شمار می‌آید.^۸ برخی دیگر وی را بشیر بن عاصم بجلي کوفی می‌دانند^۹ و هر دو از محدثان شیعه به شمار می‌آیند. تاریخ ولادت او روشن نیست اما به لحاظ طبقه شناسی احتمالاً قبل از نیمه دوم سده دوم هجری به دنیا آمده است. وفات وی را در سال ۲۰۸ ق ثبت کرده‌اند.^{۱۰}

۱. فوائد الرجالیه ضمن رجال الخاقانی: ص ۴۸، کلیات فی علم الرجال: ص ۲۷۵ و ۲۷۹، بحوث فی مبانی علم الرجال: ص ۱۴۰، تهذیب المقال: ج ۴ ص ۳۱۵.

۲. خاتمة المستدرک: ج ۵ ص ۱۲۳، معجم رجال الحدیث: ج ۱ ص ۶۱.

۳. کلیات فی علم الرجال: ص ۲۷۵ - ۲۷۹.

۴. و شاء؛ این لقب باعتبار شغل او است که پارچه‌های ابریشمین و گلدار می‌فروخت. تنقیح المقال: ج ۱ ص ۶۵ ش ۳۸۱۹.

۵. معجم رجال الحدیث: ج ۵ ص ۲۳ ش ۲۱۴۱.

۶. قاموس الرجال: ج ۲ ص ۶۱۳ ش ۱۴۳۰. محقق شوشتری منشا اشتباه نجاشی را برداشت وی از برخی سند روایات که در آن «عن الوشاء و جعفر بن بشیر» آمده وی به اشتباه آن را «عن الوشاء جعفر بن بشیر» تلقی کرده است.

۷. بوقعة صفین: ج ۱ ص ۶۰. بیشتر افراد قبیله در زمان حضرت علی جانب ایشان را گرفتند و در جنگ صفین جز اندکی در سپاه آن حضرت بودند.

۸. الجامع فی الرجال: ج ۱ ص ۳۷۱؛ تنقیح المقال: ج ۱ ص ۱۷۵.

۹. تنقیح المقال: ج ۲ ص ۱۷۵.

۱۰. رجال النجاشی: ص ۱۱۹، ح ۳۰۴؛ اختیار معرفة الرجال: ص ۶۴۱، ح ۱۱۲۵.

الف: در نگاه بزرگان

علمای رجال و تراجم، جعفر بن بشیر را به وثاقت و اعتماد و جلالت ستوده‌اند. نجاشی در یادکرد وی می‌نویسد:

جعفر بن بشیر یکی از چهره‌های برجسته شیعی بود که بسیار عبادت می‌کرد و یکی از پاکان و زاهدان روزگار به حساب می‌آمد. وی مردی موثق بود. او در شهر کوفه مسجدی بنا کرد که هنوز در زمان ما در قبیله بجیله وجود دارد، من و جمع زیادی از عالمان شیعه هر وقت به شهر کوفه می‌رویم در این مسجد نماز می‌خوانیم. همان گونه که در سایر مساجد معروف کوفه، همانند مسجد کوفه، نماز می‌خوانیم، استادم ابو العباس بن نوح می‌گفت: جعفر بن بشیر مشهور بود به «فَقَّحَةُ الْعِلْمِ»^۱ (گل زیبایی دانش) او از روایان موثق حدیث نقل می‌کرد و روایان موثق هم از او حدیث نقل می‌کردند.^۲

شیخ طوسی در شرح حال وی می‌گوید:

او صاحب کتاب و «ثَقَّةٌ جَلِيلُ الْقَدْرِ» است.^۳

کشتی به نقل از نصر بن صباح می‌گوید:

وی گرفتار دستگاه ستم شد و تازیانه‌های فراوان به او زدند و سختی‌های زیادی را تحمل کرد تا اینکه خداوند متعال او را نجات داد و از زندان رها شد. بعد از شهادت حضرت رضاعلیه السلام، مأمون عباسی با جعفر بن بشیر از در دوستی در آمد و زمانی او را از همراهان خویش قرار داد.^۴ ابن حجر عسقلانی در یادکرد او می‌گوید:

جعفر بن بشیر کوفی یکی از مصنفان شیعه است که از علی بن موسی الرضا علیه السلام و جمعی

دیگر حدیث گزارش می‌کند.^۵

عمر کحاله، دانشمند معروف اهل سنت در باره او چنین آورده است:

جعفر بن بشیر بجلی یکی از محدثان و فقیه شیعه است.^۱

^۱ نجاشی در توصیف جعفر بن بشیر لقب «فَقَّحَةُ الْعِلْمِ» را به وی داده است. در ضبط و قرائت و معنای آن بین علما اختلاف است: ۱- در قرائت نجاشی و علامه در ایضاح از آن به «فَقَّحَةُ الْعِلْمِ، ای زهرة العلم، یاد شده است، بر فرض صحت این قرائت این لفظ به معنای «گل» است، در اینجا به معنای گل زیبایی دانش معنی می‌دهد. (رجال النجاشی: ص ۱۱۹ ش ۳۰۴، ایضاح الاشتباه: ص ۱۲۸ ش ۱۲۵، لسان المیزان: ج ۲ ص ۱۱۰ ش ۴۵۰).

۲- و نیز علامه در ایضاح الاشتباه به نقل از سید صفی الدین محمد بن معد موسوی قرائت «نفحة العلم» را یاد آور شده است. یعنی عطر و بوی دل‌انگیز، چنانکه عطر و بو مشام انسان را نوازش می‌دهد. بوی معطر دانش هم دل و جان انسان را نوازش می‌دهد. (ایضاح الاشتباه: ص ۱۲۸ ش ۱۲۵).

۳- از علامه در خلاصه و ابن داود در رجالش قرائت «فَقَّحَةُ الْعِلْمِ» نقل شده است. بنابراین قرائت به معنای ظرف و زینیل آمده که ظرف دانش معنی می‌دهد. (خلاصه الاقوال: ص ۳۲ ش ۷، رجال ابن داود: ص ۸۲ ش ۲۹۹. تنقیح المقال: ج ۱ ص ۱۵ ش ۷۱) پانویس آن. به هر حال این کلمه را هرگونه که قرائت کنیم، کنایه از این است که این محدث بزرگوار از دانش فراوانی برخوردار بوده و یکی از چهره‌های برجسته عصر خویش به شمار می‌آمده، تاجایی که خلیفه مقتدر و نیرومند عباسی، این چهره پرآوازه شیعه را در برهه‌ای از زمان، از نزدیکان خود قرار داده و خود را به او نزدیک می‌کرده است. این جمله کنایه از این است که جعفر بن بشیر از دانش فراوانی برخوردار بوده است. (تنقیح المقال: ج ۱ ص ۷۰ ش ۱۹۰، قاموس الرجال: ج ۲ ص ۶۱۲).

^۲ ر.ک: رجال النجاشی: ص ۱۱۹ ش ۳۰۴.

^۳ الفهرست: ص ۴۳ ش ۱۳۱.

^۴ ر.ک: اختیار معرفة الرجال: ص ۶۴۱ ح ۱۱۲۵.

^۵ ر.ک: لسان المیزان: ج ۲ ص ۱۱۰ ش ۴۵۰.

زرکلی در باره او چنین آورده است

او یکی از عالمان شیعه است که در سرزمین ابواء درگذشت.^۲

چنانچه پیشتر گذشت تاریخ ولادت او مشخص نیست. اینکه وی از اصحاب امام رضا علیه السلام شمرده شده حدوداً بین سالهای ۱۴۰ تا ۱۵۵ ق به دنیا آمده است و در سال ۲۰۸ ق،^۴ پنج سال بعد شهادت امام رضا علیه السلام سال وفات سیده نفیسه بنت حسن بن زید بن حسن در گذشت.^۵

ب: مشایخ و شاگردان

جعفر بن بشیر از محدثان شیعی است که نزد دانشمندان بسیاری درس آموخت و از آنان روایت کرد. او نزدیک به هشتاد نفر نقل حدیث کرد و کتابهای بیش از هشتاد نفر را روایت کرده که برخی از آنان چندین کتاب داشته‌اند آیت الله خویی با حذف عناوین تکراری قریب به هشتاد استاد وی را برشمرده، که برخی از آنان عبارت‌اند از:

۱. اسحاق بن عمار؛ ۲. زید شحام؛ ۳. عبدالله بن بکیر بن اعین؛ ۴. حماد بن عثمان؛ ۵. ادیم بن الحر؛ ۶. ذریح محاربی؛ ۷. سلیمان بن سماعه؛ ۸. داود رقی؛ ۹. بشیر دهان؛ ۱۰. موسی بن بکر؛ ۱۱. عمر بن ابان؛ ۱۲. هشام بن سالم؛ ۱۳. مفضل بن عمر؛ ۱۴. سماعه بن مهران؛ ۱۵. ابان بن عثمان؛ ۱۶. علاء بن رزین؛ ۱۷. هشام بن سالم؛ و...^۶ شاگردان زیادی از او اخذ حدیث کرده‌اند که برخی از شاگردان و راویان معروف وی عبارت‌اند از:

۱. ابو عبدالله احمد بن محمد بن خالد برقی؛ ۲. ابراهیم بن هاشم؛ ۳. احمد بن محمد؛ ۴. حسین بن حسین لؤلؤی؛ ۵. حسین بن حسن؛ ۶. سهل بن زیاد؛ ۷. صالح بن سندی؛ ۸. محمد بن اسماعیل بن بزیع؛ ۹. محمد بن الحسین بن ابی الخطاب و...^۷

ج: احادیث و میراث علمی جعفر بن بشیر و گرایشهای فکری او

گزارش‌های تاریخی و آثار ماندگار از نخستین قرنهای هجری، نشان دهنده آن است که میراث علمی و حدیثی شیعه میراثی مکتوب و مضبوط است از اینرو از مهمترین معیارهای سنجش اندیشه‌ها و گرایشهای فکری، تاثیر علمی و شناخت ابعاد دانش و آگاهی افراد در نگاشته‌های به جا مانده و یا گزارش شده از ایشان می باشد. همچنان که اشاره شد جعفر بن بشیر به فراوانی دانش وزیبایی و گل آن - قفحة العلم - توصیف شده است از همین رو، شخصیتی بزرگ و دارای ابعاد مختلف از خود به نمایش نهاده است. جعفر بن بشیر در منابع حدیثی جایگاه ویژه‌ای دارد. تنها در کتب اربعه و وسائل الشیعه از وی بیش از ۴۲۵ روایت نقل شده است.^۸ این آمار غیر از احادیثی است در کتاب‌های دیگر شیخ صدوق و دیگر محدثان گزارش شده است.

۱. ر.ک: معجم المؤلفین: ج ۳، ص ۱۳۵.

۲. ر.ک: الاعلام: ج ۲ ص ۱۲۲ ش

۳. رجال الطوسی: ص ۳۵۳ ش ۵۲۳۸.

۴. رجال النجاشی: ص ۱۱۹، ح ۳۰۴؛ اختیار معرفة الرجال: ص ۶۴۱، ح ۱۱۲۵.

۵. مرآت الجنان: ج ۲ ص ۴۳ به نقل از تهذیب المقال: ج ۴ ص ۳۱۴.

۶. معجم رجال الحديث: ج ۵، ص ۲۴-۲۵، ش ۲۱۴۱.

۷. همان

۸. این آمار با استفاده از نرم افزار درایة النور استخراج شده است

جعفر بن بشیر مولف آثار متعددی است. وی کتابی داشته که به امام صادق علیه السلام منسوب بوده است. او این کتاب را از امام رضا علیه السلام روایت کرده بود.^۱ نام برخی از کتاب‌های جعفر بن بشیر عبارت است از:

۱. کتاب المشیخة، مانند کتاب حسن بن محبوب^۲ ولی مقداری از او کوچکتر است؛^۳ کتاب الصلاة؛^۳ کتاب المکاسب؛^۴ کتاب الصيد؛^۵ کتاب الذبائح؛^۶ کتاب النوادر.^۴

دو: مستند نظریه «وثاقت مشایخ جعفر بن بشیر»

مستند این نظریه و عمده استدلال بر وثاقت مشایخ جعفر بن بشیر، «سخن نجاشی» است. در توصیفات نجاشی از جعفر بن بشیر عباراتی دیده می‌شود که سبب چنین برداشتی شده است. او می‌نویسد:

جعفر بن بشیر ابومحمد البجلي الوشاء من زهاد أصحابنا و عبادهم و نساكهم و كان ثقةً، ...
روی عن الثقات و روى عنه.^۵

جعفر بن بشیر ابو محمد بجلي، از زاهدان، عابدان و پرهیزگاران شیعه است... او فردی ثقة و مورد اعتماد بوده و از [اساتید] ثقة نقل روایت می‌کند. و [شاگردان] ثقة نیز از او روایت می‌کنند».

برخی با استناد به سخن نجاشی مشایخ جعفر بن بشیر و شاگردان او را ثقة می‌دانند. وحید بهبهانی در تعلیقه‌اش بر منهج المقال در شرح حال جعفر بن بشیر یاد آور وثاقت مشایخ وی نشده است،^۱ ولی در فوائد الرجالیه ضمن فائده دوم^۲ و همچنین در یاد کرد برخی راویان روایت جعفر بن بشیر، از آنان را نشانه وثاقتشان دانسته است.^۳ به بیان دیگر او بر این باور است که اساتید روایی جعفر بن بشیر همگی ثقة هستند هر چند که توثیق آشکاری برای ایشان نیامده باشد. بعضی از جمله حاجی نوری با استناد این عبارت نجاشی قائل به این شده‌اند که این شخص «لا یروی الا عن ثقة»،^۴

۱. رجال النجاشی: ص ۱۱۹ ش ۳۰۴.

۲. نجاشی در ذیل نام داود بن کوره قمی و احمد بن حسین بن عبد الملک؛ تبویب کتاب المشیخة ابن محبوب را به داود بن کوره قمی و احمد بن حسین بن عبد الملک نسبت داده است. (رجال النجاشی: ص ۱۵۸ ش ۴۱۶ و ص ۸۰ ش ۱۹۳) کتاب المشیخة ابن محبوب از نخستین کتابهای است که در موضوع علم رجال نگارش یافته و متاسفانه مانند دیگر کتب اصحاب ائمه به دست ما نرسیده است.

۳. کتابهایی که با عنوان المشیخة از سوی فهرست نگاران یاد شده‌اند. به آن دسته آثاری اطلاق می‌شود که تبویب آنها بر اساس معانی فقه باب گذاری شده‌اند و نه بر پایه ابواب فقهی یا اسماء اصحاب اصول و راویان از ائمه. تهذیب المقال: ج ۲ ص ۳۵۰.

۴. رجال النجاشی: ص ۱۱۹ ش ۳۰۴.

۵. همان

۶. تعلیقه علی منهج المقال: ص ۸۲.

۷. تعلیقه الوحید علی منهج المقال: ص ۵۴، ص ۱۱۰. الفوائد الرجالیه: ص ۴۸، منهج المقال: ج ۱ ص ۱۴۷ (مقدمه فائده دوم) روایة محمد بن اسماعیل بن میمون أو جعفر بن بشیر عنه فإنّ کلاً منهما أمانة التوثیق لما ذکر فی ترجمتهما.

۸. تعلیقه علی منهج المقال: ص ۵۶ و ۱۱۰ و ۱۱۲ و ۱۲۳ و ۱۵۸ و ۱۶۰ و ۱۷۵ و ۱۷۷ و ۲۳۰ و ۲۰۴ و ۲۰۵ و ۲۱۱ و ۲۲۵ و ۲۲۹ و ۲۴۰ و ۲۶۷ و ...

۹. خاتمة المستدرک: ج ۷ ص ۱۰۹. (مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۷۷۷ چاپ سنگی) فائده دهم.

این نظریه بیشتر از سوی رجالیان معاصر مورد نقد و نظر قرار گرفته است. در این میان آیت الله خویی به تبع او استاد سبحانی^۱ و استاد داوری،^۲ دو اشکال بر نادرستی نظریه توثیق مشایخ جعفر بن بشیر ارائه کرده است که دلیل دوم ایشان چندان قابل پذیرش نیست. با تکیه به مطالب معجم رجال الحدیث این بحث را پی می‌گیریم:

۱. اشکال دلالتی (عدم دلالت حصر از کلام نجاشی)

در دلالت سخن نجاشی که «جعفر بن بشیر تنها از ثقات روایت کرده باشد، حصری مشاهده نمی‌شود با توجه به آن که نجاشی از ادبیات و تعابیری که دلالت بر حصر کند، چون «انما یروی عن الثقة» یا «لایروی الا عن ثقة» بهره نبرده است. از این رو، جمله «روي عن الثقات» نمی‌تواند بیانگر انحصار باشد؛ و از آن چنین دلالتی استفاده نمی‌شود، که جعفر بن بشیر از غیر ثقة روایت نقل نمی‌کند. به بیان دیگر عبارت درمقام حکم کلی برای تمامی مشایخ و راویان او نیست تا بدینسان تمام اساتید و یا شاگردان جعفر بن بشیر را ثقة بداند. این عبارت فاقد چنین دلالتی است.

مؤید این کلام ادامه کلام نجاشی است. وی در باره شاگردان او نیز می‌گوید: «رووا عنه» و [شاگردان] ثقة نیز از او روایت می‌کنند. چنین چیزی ممکن نیست؛ زیرا نقل روایت کردن ثقة یا غیر ثقة از استاد، در اختیار استاد نیست، در حالی که ضعیفان برآند، تا از هر شخصی به ویژه بزرگان و حتی معصومان نقل حدیث کنند^۳ و کم نبودند دروغ‌گویانی که در عصر اهل بیت علیهم السلام که بر آنان دروغ بسته‌اند و روایات جعلی را به آنان نسبت داده‌اند، و سخن متواتر و مشهور نبوی که گله از فزونی دروغ‌گویان بر حضرتش دارد^۴ و همچنین دیگر سخنان پیشوایان همچون امام صادق^۵ و امام رضا^۶ گواه بر جریان دروغ‌سازی‌های عصر حضور دارد. وقتی بر بر معصومان سخنان دروغ ببندند پر واضح است که روایانی مانند جعفر بن بشیر نیز از این امر مصون نخواهد بود. بنابراین، سخن نجاشی چه از ناحیه شاگرد و چه از جانب استاد دلالت بر حصر نمی‌کند و استفاده حصر از آن را بعید می‌نمایند. نهایتاً با توجه به روایات جعفر بن بشیر در منابع حدیثی، می‌توان گفت بیشتر روایات «جعفر بن بشیر» از افراد ثقة بوده و راویان ثقات نیز از او فراوان نقل حدیث کرده‌اند و این امر نوعی مدح او به شمار می‌آید. در مقابل کسانی که فراوان از ضعف نقل روایت کرده‌اند و ضعفاً هم فراوان از آن روایت گزارش کرده‌اند موجب قدح راوی به شمار می‌آید.^۷ بدین ترتیب نمی‌توان مدعی شد که عبارت نجاشی درمقام حصر بوده و بر این اساس تمام اساتید و شاگردان وی، از وثاقت برخوردارند.

۲. اشکال نقضی

۱. ر.ک: کلیات فی علم الرجال: ص ۲۷۹.
 ۲. ر.ک: اصول علم الرجال: ج ۲ ص ۲۳۰.
 ۳. ر.ک: معجم رجال الحدیث: ج ۱، ص ۷۲.
 ۴. الارشاد: ج ۱، ص ۲۲۳، الامالی للطوسی: ص ۲۲۷، ح ۳۹۸، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۷۳، ح ۹۶.
 ۵. «... إنا اهل بیت صادق لا تخلو من کذاب یکذب علینا، فیسقط صدقتنا بکذبه علینا عند الناس»؛ اختیار معرفة الرجال معروف به رجال الکثی: ص ۱۹۵. ر.ک: اختیار معرفة الرجال: ص ۲۲۴، ش ۴۰۱.
 ۶. ر.ک: همان: ص ۲۲۲، ش ۴۰۱.
 ۷. اصول علم رجال: ج ۲ ص ۲۳۱.

اشکال دومی که نادرستی نظریه را به تصویر می کشاند، حضور راویان ضعیف در میان اساتید جعفر بن بشیر است. مشایخ جعفر بن بشیر سه دسته‌اند، نخست راویانی‌اند که در رجال توثیق شده‌اند، گروه دیگر از مشایخ کسانی‌اند که در رجال جرح و تعدیل نشده‌اند، اگر اساتید وی ناشناخته باشند، طبیعی است که مشکلی ایجاد نخواهد شد. دسته سوم مشایخی‌اند که در رجال تضعیف یا مورد طعن واقع شده‌اند. مخالفان نظریه توثیق مشایخ جعفر بن بشیر، مشایخ ضعیف ایشان را اشکال بر نقض بر قائلان توثیق مشایخ جعفر بن بشیر بیان داشته‌اند. دو تن از اساتید ایشان که رجالیان پیشین برضعف آنان تصریح کرده‌اند عبارتند از: صالح بن حکم نیلی^۱ و عبدالله بن محمد جعفی،^۲ با توجه به این که مستند نظریه کلام نجاشی است و تضعیف کننده هم اوست. این امر سبب نادرستی کلیت وثاقت مشایخ جعفر بن بشیر شده است. همچنین شیخ طوسی در دو جای تهذیب^۳ روایت جعفر بن بشیر را به جهت ارسال ضعیف دانسته است.^۴ بدین ترتیب با توجه به این دو اشکال یاد شده نمی‌توان در مورد جعفر بن بشیر گفت «لایروی الا عن ثقة».^۵

نگارنده براین باور است که اشکال نخست (دلالی) آیت الله خویی وارد است؛ زیرا تعبیر «روي عن الثقات ورووا عنه» دلالت بر حصر ندارد، بلکه در مقام مدح و ستایش راوی است^۶ و مدح و تعریف راوی را هدف قرار گرفته است. درحقیقت می‌خواهد این نکته را بیان کند که او فراوان از راویان ثقة نقل روایت می‌کند و ثقات نیز از او نقل روایت می‌نمایند. به تعبیر دیگر احادیث وی قابل توجه و تامل است. چه اینکه در مقابل آن کثرت نقل روایت از ضعفا موجب قدح راوی است. چنانچه اخراج، احمد بن محمد بن خالد برقی از قم به جهت کثرت نقل روایت از ضعفا و اعتماد به مراسیل و در حقیقت نوعی ذم و قدح برقی بوده و از این منظر تفسیر می‌شود.^۷ افزون برآن، رجالی معاصر نجاشی، شیخ طوسی - کشی و دیگران-

۱. رجال النجاشی: ص ۲۰۰ ش ۵۳۳، شیخ با سند صحیح خود نقل می‌کند: «عن محمد بن علي بن محبوب، عن محمد بن الحسين، عن جعفر بن بشير، عن صالح بن الحكم، قال سألت أبا عبدالله عليه السلام ... فقال...» تهذیب الأحكام: ج ۳ ص ۲۹۳ ح ۸۹۷.

۲. شیخ صدوق در یاد کرد طریق خود به عبد الله بن محمد الجعفی می نویسد: فقد رویته عن ابی، عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن الحسين بن ابی الخطاب، عن جعفر بن بشير عن عبدالله بن محمد الجعفی. من لایحضره الفقیه: ج ۴ ص ۵۱۹ قسم المشیخه.

شیخ طوسی عبدالله جعفی را از اصحاب امام سجاد و باقر و صادق علیهم السلام شمرده است. (رجال الطوسی: ص ۱۱۸ ش ۱۱۹۸ ص ۱۳۹ ش ۱۴۷۳ و ص ۲۳۱ ش ۳۱۳۳. نجاشی در شرح حال جابر بن یزید جعفی او را ضعیف شمرده است. رجال النجاشی: ص ۱۲۹ ش ۳۳۲.

۳. الف: فأما الخبر الذي رواه محمد بن احمد بن يحيى عن محمد بن الحسين عن جعفر بن بشير عن عمّن رواه عن ابی عبدالله عليه السلام قال: سألته عن رجل و... الحديث. تهذیب الاحكام: ج ۱ ص ۱۹۶ ح ۴۱.

ب: سعد بن عبدالله عن محمد بن الحسن بن ابی الخطاب عن جعفر بن بشير عن عبدالله بن سنان أو غيره عن عبدالله عليه السلام مثل ذلك. همان حدیث ۴۲.

۴. فاول ما فيه أنه خبر مرسل منقطع الاسناد، لأنّ جعفر بن بشير في الرواية الاولى قال عمّن رواه و هذا مجهول يجب إطرأه، و في الرواية الثانية قال عن عبدالله بن سنان أو غيره فأورده وهو شك فيه، و ما يجرى هذا المجرى لا يجب العمل به. همان.

۵. نجاشی در شرح حال جابر بن یزید جعفی وی را تضعیف نموده است. (رجال النجاشی: ص ۱۲۸ ش ۳۳۲) وی در طریق صدوق به جعفر بن بشیر آمده است. ر. ک: من لایحضره الفقیه: ج ۴ ص ۵۱۹.

۶. ر. ک: اصول علم رجال: ج ۲ ص ۲۳۱.

۷. مجله علوم حدیث؛ ص ۱۴۱، مقاله توثیق مشایخ احمد بن محمد بن عیسی اشعری در ترازوی نقد. ش ۷۱، سال نشر ۱۳۹۳

در یاد کرد جعفر بن بشیر متعرض ادعای مذکور نشده و روایت مرسل جعفر بن بشیر را مردود دانسته است و در مواردی دلالت آن را نیز نقد کرده است.

اما اشکال دوم آیت الله خویی و دیگران وارد نیست؛ زیرا موارد نقضی استدلال ایشان قابل جواب و دفاع است. پیشتر گذشت که آیت الله خویی به دو مورد نقضی - در میان اساتید جعفر - اشاره کردند. تتبع در اسانید روایات نشان می‌دهد، اسامی دیگری نیز در میان مشایخ جعفر بن بشیر دیده می‌شود، که برخی از رجالیان آنان را ضعیف شمرده‌اند. از این افراد معمولا به عنوان نقض کننده نظریه یاد می‌شود. این اسامی چهارده نفرند. با توجه به آنکه اکثر روایات جعفر بن بشیر در کتب اربعه آمده از این رو، این تعداد در بررسی اسانید روایات کتب اربعه و وسائل الشیعه و رجال کشتی، استخراج شده است. عبارتند از:

۱. ابو جمیله مفضل بن صالح؛ تنها در یک گزارش تحویلی در کتاب الکافی جعفر بن بشیر از او روایت کرده است.^۱ نجاشی در شرح حال جابر بن یزید جعفی وی را ضعیف شمرده است^۲ و ابن غضائری او را دروغگو و حدیث ساز شناسانده است.^۳

۲. ابن جریح (عبد الملک بن عبد العزیز بن جریح)؛ نام وی در سند روایتی در کتاب رجال کشتی به عنوان استاد جعفر بن بشیر آمده است.^۴ او عامی و یا بتری مذهب است که البته بسیار علاقمند به اهل بیت بوده است.^۵

۳. ابان بن عثمان؛ استاد جعفر بن بشیر است.^۶ کشتی او را ناووسی خوانده است.^۷ هر چند وی در شمار اصحاب اجماع است.^۸

۴. إسحاق بن عمار؛ جعفر بن بشیر از روایات زیادی نقل کرده است.^۹ وی ثقة است اما دارای ضعف مذهب (فطحی) است.^{۱۰}

۵. حنّان (بن سدیر)؛ نام وی در اسناد الکافی پس از جعفر بن بشیر آمده است.^{۱۱} شیخ طوسی او را واقفی مذهب دانسته است.^{۱۲}

۶. داود بن کثیر رقی؛ استاد جعفر بن بشیر است.^{۱۳} نجاشی و ابن غضائری او را تضعیف کرده‌اند.^{۱۴}
۷. سعد الإسکافی (بن طریف)؛ استاد جعفر بن بشیر است. نجاشی در شرح حال او نوشته است: «إنّه إنّه يعرف و ینکر».^{۱۵}

۱. الکافی: ج ۱ ص ۳۹۲ ح ۳.

۲. رجال النجاشی: ص ۱۲۹ ش ۳۳۲.

۳. رجال ابن الغضائری: ص ۸۸ ش ۱۱۸؛ خلاصة لاقوال: ص ۴۰۷، ش ۱۶۴۸.

۴. اختیار معرفة الرجال: ص ۱۳۰، ح ۱۰۷.

۵. اختیار معرفة الرجال: ص ۳۹۰، ح ۷۳۳.

۶. الکافی: ج ۱، ص ۴۰۰، ح ۵، وج ۴، ص ۳۰۸، ح ۲ و....

۷. اختیار معرفة الرجال ص ۴۱۷، ش ۶۶۰.

۸. اختیار معرفة الرجال ص ۳۷۵، ش ۷۰۵.

۹. الکافی: ج ۲، ص ۲۴۱، ح ۳۸، وج ۵، ص ۸۱، ح ۵، و....

۱۰. الفهرست: ص ۱۵، ش ۵۲.

۱۱. الکافی: ج ۱، ص ۴۰۷، ح ۸.

۱۲. رجال الطوسی: ص ۳۴۶، ش ۴۹۷۴.

۱۳. الکافی: ج ۴، ص ۵۲، ح ۲.

۱۴. رجال النجاشی: ص ۱۵۶، ش ۴۱۰، رجال ابن الغضائری: ص ۵۸، ش ۴۶.

۸. سعید بن خیثم [ابو معمر الهلالي]؛ استاد جعفر بن بشیر است. نجاشی به ضعف او تصریح کرده است و او و برادرش معمر را از داعیان زید خوانده است.^۴
۹. صالح بن الحکم النیلی؛ نام وی در اسناد شیخ طوسی پس از جعفر بن بشیر دیده می شود.^۵ او نیز ضعیف و به ضعفش تصریح شده است.^۶
۱۰. عبد الله بن بکیر؛ استاد جعفر بن بشیر است.^۷ شیخ طوسی به ضعف مذهب او تصریح می کند هر چند وی را در نقل روایت ثقه می داند.^۸
۱۱. عبدالله بن محمد الجعفی؛ شیخ صدوق در طریق خود به وی نام جعفر را به عنوان شاگرد او نگاشته است.^۹ نجاشی در ضمن یادکرد جابر بن یزید جعفی او را ضعیف شمرده است.^{۱۰}
۱۲. علی بن ابی حمزة (بطائنی)؛ او از مشایخ روایی جعفر بن بشیر است.^{۱۱} کشی او را دروغگو و ملعون دانسته است.^{۱۲}
۱۳. مفضل بن عمر؛ نام وی در دو سند به عنوان استاد جعفر بن بشیر آمده است.^{۱۳} نجاشی وی را دارای فساد مذهب دانسته و روایتش را مضطرب خوانده است. و می نویسد به روایات او توجه نمی شود چه اینکه خطابی مسلک است.^{۱۴}
۱۴. موسی بن بکر الوسطی؛ او نیز یکی دیگر از اساتید جعفر بن بشیر است.^{۱۵} شیخ طوسی واقفی بودن او را بیان کرده است.^{۱۶}

نقد و بررسی

در پاسخ به اشکال نقضی مشایخ ضعیف جعفر بن بشیر باید گفت، مشایخ ضعیف وی دو دسته اند:

- دسته نخست راویانی هستند که متهم به فساد در مذهبند. مانند: ابان بن عثمان، عبد الله بن بکیر، حنان بن سدید، اسحاق بن عمار، و برخی دیگر باید دانست که انحراف اعتقادی برخی از راویان قابل اثبات نیست و برخی دیگر در عین فساد مذهب توثیق شده اند مانند اسحاق بن عمار و عبدالله بن بکیر. وثاقت و یا فساد مذهب برخی نیز اختلافی است مانند ابان بن عثمان. و برخی دیگر، روایت جعفر بن بشیر از آنان در زمان سلامت اعتقادشان بوده است؛ زیرا با توجه به برخورد ائمه اطهار و حساسیتی که آنان

۱. الکافی: ج ۲، ص ۶۰۱، ح ۱۰.
 ۲. رجال النجاشی: ص ۱۷۸، ش ۴۶۸.
 ۳. تهذیب الأحکام: ج ۷، ص ۴۳۸، ح ۱۷۵۰.
 ۴. رجال النجاشی: ص ۱۸۰، ش ۴۷۴.
 ۵. تهذیب الأحکام: ج ۳، ص ۲۹۳، ح ۸۹۷.
 ۶. رجال النجاشی: ص ۲۰۰، ح ۵۳۳.
 ۷. الکافی: ج ۲، ص ۵۲۴، ح ۹، ج ۷، ص ۷۵، ح ۱، و....
 ۸. الفهرست: ص ۱۰۶، ش ۴۵۲.
 ۹. من لا یحضره الفقیه: ج ۴، ص ۵۱۹.
 ۱۰. رجال النجاشی: ص ۱۲۹، ش ۳۳۲.
 ۱۱. الکافی: ج ۱، ص ۴۱۸، ح ۳۵.
 ۱۲. اختیار معرفة الرجال: ص ۴۶۷، ش ۷۵۵.
 ۱۳. الکافی: ج ۲، ص ۲۳۶، ح ۲۳، الاستبصار: ج ۲، ص ۱۹۸، ح ۶۷۱.
 ۱۴. رجال النجاشی: ص ۴۱۶، ش ۱۱۱۲.
 ۱۵. ر.ک: الکافی: ج ۴، ص ۲۷۹، ح ۶، ج ۵، ص ۲۶۵، ح ۶، و....
 ۱۶. رجال الطوسی: ص ۳۴۲، ش ۵۱۰۸.

و اصحابشان نسبت به واقفیه داشته‌اند، بعید است مثل جعفر بن بشیر که از اجلائی امامیه به شمار می‌آید در زمان وقف یا انحراف اعتقادی‌شان از آنان روایت گزارش کرده باشد؛ زیرا مثل جعفر بن بشیر، یونس بن عبد الرحمان، ثقات سه‌گانه و... جزو پیشگامان مبارزه و مقابله برواقفیه بوده‌اند، چگونه خود از آنان نقل حدیث کرده‌اند؟

۲. دسته دیگر کسانی‌اند که در رجال تضعیف شده‌اند. ولی به لحاظ رجالی و طبقه‌شناسی جزو مشایخ جعفر بن بشیر به شمار نمی‌آیند، بلکه واسطه بین ایشان افتاده است. اینان عبارتند از:

۱. سعد بن طریف

وجود او در شمار اساتید جعفر خللی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا:

اولاً: به لحاظ طبقه‌شناختی او را نمی‌توان استاد بدون واسطه جعفر بن بشیر دانست. با تکیه بر اطلاعات طبقه‌شناسی، «جعفر بن بشیر» در طبقه شاگردان «سعد بن طریف» قرار ندارد؛ زیرا «جعفر بن بشیر» متوفای سال ۲۰۸ ق است^۱ از اصحاب امام رضا علیه السلام است.^۲ و روایت وی از امام صادق علیه السلام با واسطه گزارش شده است. و «سعد بن طریف» از اصحاب امام سجاد و باقر و صادق علیهم السلام به شمار می‌آید.^۳

ثانیاً: شیخ طوسی او را صحیح الحدیث دانسته^۴ یعنی وی در حوزه نقل حدیث شخصی قابل اعتماد است. افزون بر این، روایت جعفر بن بشیر از سعد در غیر سند کافی درجای دیگری واقع نشده است. بنابراین، روایتش از سعد مرسل است، و جزو مشایخ بی‌واسطه او محسوب نمی‌شود.

۲. سعید بن خبثم

روایت بی‌واسطه جعفر بن بشیر از سعید بن خبثم نیز قابل اثبات نیست؛ زیرا وی از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهم السلام شمرده شده است.^۵ ابن غضائری در باره او می‌گوید: اوتابعی است و از پیامبر صلی الله علیه و آله به واسطه جدّ مادری خود عبید بن عمر الکلابی نقل روایت کرده است. آبدین ترتیب، روایت جعفر بن بشیر که از اصحاب امام رضا علیه السلام است و در سال ۲۰۸ ق وفات کرده از سعید بن خبثم تابعی بعید به نظر می‌رسد.

۳. ابن جریح

روایت جعفر بن بشیر از ابن جریح - از فقهای عامی متوفای ۱۵۱ ق -^۶ نیز مرسل است؛ زیرا تنها در خبر کتبی نام وی در شمار اساتید جعفر آمده است^۷ و حال آنکه همان روایت در گزارش کتاب الاختصاص چنین آمده است:

۱. رجال النجاشی: ص ۱۱۹، ش ۳۰۴، و اختیار معرفة الرجال: ص ۶۰۵، ش ۱۱۲۵.

۲. رجال الطوسی: ص ۳۵۳، ش ۵۲۳۸.

۳. همان: ص ۱۱۵، ش ۱۱۴۷، و ص ۱۳۶، ش ۱۴۳۰، و ص ۲۱۲، ش ۲۷۶۵.

۴. همان.

۵. رجال الطوسی: ص ۲۱۳، ش ۲۷۸۲، رجال النجاشی: ص ۱۸۰، ش ۳۷۴۰.

۶. رجال ابن غضائری: ص ۶۴، ش ۵۷.

۷. التاریخ الکبیر: ج ۵، ص ۴۲۲؛ تاریخ بغداد: ج ۱۰، ص ۴۰۰ - ۴۰۷؛ سیر اعلام النبلاء: ج ۶، ص ۳۲۵؛ شذرات الذهب: ج ۱، ص ۲۲۶؛ الفهرست لابن ندیم: ص ۲۸۲.

۸. اختیار معرفة الرجال: ص ۱۳۰، ش ۱۰۷.

«محمد بن الحسين، عن صفوان بن يحيى، عن ذريح بن محمد المحاربي، عن أبي عبد الله عليه السلام عن ابن جريح وغيره من ثقيف و...».

بنابراین، در نقل الاختصاص صفوان با واسطه از ذريح بن محمد محاربي نقل کرده است و عبارت «و عن ابن جريح وغيره و...» مردد است بين اين که ابن جريح از امام صادق عليه السلام بي واسطه نقل کرده و يا از ابن عباس با واسطه نقل کرده است.^۱ و جعفر بن بشير از ذريح بن محمد محاربي نقل روايت کرده است.^۲

بنظر مي رسد با توجه به اين که «جعفر بن بشير» در طبقه «صفوان» قرار دارد احتمال اشتباه نوشتاري در سند کشي وجود دارد. و شايد سند چنين بوده باشد. «جعفر بن بشير، عن ذريح بن محمد المحاربي، عن أبي عبد الله عليه السلام و ابن جريح...». و اين امر سبب شده است که ابن جريح را جزو مشايخ جعفر بن بشير بدانند.

افزون بر آن، وجود اختلاف در نسخه های کشي بيانگر اضطراب در سند آن است؛ زیرا در نسخه ای از رجال کشي - موجود در کتابخانه مرحوم آيت الله مرعشي - ابن شريح به جای ابن جريح ضبط شده است.^۳ و نیز در ترتيب الكشي للقهبائي عنوان شريح نقل شده است. همچنين در نسخه چاپ آل البيت عنوان جريح واقع شده است.^۴

گفتنی است در معرفی برخی دیگر به عنوان استاد جعفر بن بشير، همچنان تردید هایی وجود دارد. به عنوان نمونه روايت جعفر بن بشير از صالح بن حکم نیلي مرسل مي باشد؛ زیرا طريق شيخ صدوق به صالح به واسطه حماد بن عثمان واقع شده است.^۵

و نیز روايت بي واسطه جعفر بن بشير از عبد الله بن محمد جعفي که از اصحاب امام سجاد و باقر و صادق عليهم السلام شمرده شده،^۶ بعيد است؛ زیرا جعفر بن بشير از امام صادق با واسطه نقل روايت کرده است و عبد الله از اصحاب امام کاظم نیز شمرده نشده است و حیات وي بعد از امام صادق ثابت نیست.

بنابراین، هرچند تعداد مشايخ ضعيف جعفر بن بشير اندک هستند، و اين بيانگران است که چه بسا یکی از مستندات نجاشي در اين نظريه تحفظ جعفر بن بشير در نقل روايت از مشايخ ثقه بوده و از غير ثقه اجتناب می کرده که اثبات آن دشوار است. و يا استقرا و جستجو در اکثر مشايخ جعفر بن بشير بوده است و وقتی آنان را ثقه یافته، حکم به وثاقت مروئي عنه وي نموده است. نه اينکه سخن نجاشي بيانگر منش هميشگی جعفر بوده است. بر اين اساس نمی توان تمام مشايخ او را ثقه دانست.

۱. شبیری سيد جواد، درس گفتارها.

۲. تهذيب الاحكام: ج ۲، ص ۲۸۴، ح ۱۶؛ بصائر الدرجات: ص ۳۶۰، ح ۹؛ اختيار معرفة الرجال: ص ۴۳۸، ش ۶۹۸.

۳. اختيار معرفة الرجال: باورقی ص ۱۳۰، ش ۱۰۷ و ص ۴۹ (مقدمه).

۴. اختيار معرفة الرجال: ج ۱، ص ۲۷۶، ش ۱۰۷.

۵. من لا يحضره الفقيه: ج ۴، ص ۴۴۵.

۶. ر.ک؛ رجال الطوسي: ص ۱۳۹، ش ۱۴۷۳، و ص ۲۳۱، ش ۳۱۳۳.

نتیجه گیری

کوتاه سخن اینکه، استدلال به وثاقت مشایخ «جعفر بن بشیر» به حسب دلالت تام و تمام نیست، لکن اشکال نقضی مرحوم آیت الله خویی را نمی توان وارد دانست؛ زیرا کسانی که به عنوان مشایخ ضعیف در اسانید روایات واقع شده‌اند برخی از آنان هرچند متهم به فساد مذهب‌اند ولی در دیگر مصادر رجالی توثیق شده‌اند و یا اینکه به دلیل ارسال و افتادگی واسطه در اسانید روایات، جزو مشایخ مستقیم «جعفر بن بشیر» محسوب نمی‌شوند. بنابراین، با وجود اشکال دلالی استدلال مذکور تام نیست. هرچند بیشتر مشایخ ایشان ثقه‌اند.

کتابنامه

- اختیار معرفة الرجال، معروف به رجال الکثبی، تحقیق: محمد تقی فاضل میبیدی و موسویان، ۱ ج، ط ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، س ۱۳۸۲ هـ.
- اختیار معرفة الرجال، معروف به رجال الکثبی، شیخ طوسی (محمد بن حسن)، تعلیق، میرداماد استرآبادی، تحقیق: سیدمهدی رجالی، ۲ ج، ط ۱، مؤسسه آل‌البتیت، س ۱۴۰۴ هـ.ق.
- الإرشاد، شیخ مفید (محمد بن نعمان)، ۲ جلد در یک جلد، ط ۱، قم، کنگره شیخ مفید، س ۱۴۱۳ هـ.ق.
- الاستبصار، شیخ طوسی، (محمد بن حسن)، ۴ ج، ط ۳، تهران، دار الکتب الاسلامیه، س ۱۳۹۰ هـ.ق.
- اصول علم الرجال بین النظریه والتطبیق، مسلم داور، تحقیق: محمد علی علی معلم، ۲ ج، ط ۲، ناشر مؤلف.
- الأمالی، شیخ طوسی (محمد بن حسن)، تحقیق: مؤسسه بعثت، ط ۱، قم، ناشر دار الثقافة للطباعة والنشر، س ۱۴۱۴ هـ.ق.
- ایضاح الاشتباه، حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، تحقیق: محمد حسون، ط ۱، قم، ناشر نشر اسلامی، س ۱۴۱۱ هـ.ق.
- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ۱۱۰ ج، بیروت، مؤسسه الوفاء، س ۱۴۰۲ هـ.ق.
- بحوث فی مبانی علم الرجال، محمد سند، مقرر محمد صالح تبریزی، ط ۲، قم، مکتبه فدک، س ۲۰۰۸ م - ۱۴۲۹ هـ.ق.
- بصائر الدرجات، محمد بن حسن بن فروخ، ۱ ج، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، س ۱۴۰۴ هـ.ق.
- ۲۶. التاریخ الکبیر، بخاری، مکتبه الإسلامیه، دیار بکر، ترکیا، بی‌تا.
- تعلیقة الوحید علی منهج المقال، وحید بهبهانی، بی‌تا، بی‌جا.
- تنقیح المقال، عبدالله مامقانی، ۲۹ ج، ط ۱، تحقیق: محی‌الدین مامقانی، قم، مؤسسه آل‌البتیت، س ۱۴۲۶ هـ.ق.
- تنقیح المقال، عبدالله مامقانی، ط سنگی.
- تهذیب الأحکام، محمد بن حسن طوسی، ۱۰ ج، ط ۴، تهران، دار الکتب الاسلامیه، س ۱۳۶۵ ش.
- الجامع فی الرجال، موسی زنجانی، ۱ ج، ط ۱، قم، چاپخانه پیروز، س ۱۳۹۴ هـ.ق.
- خاتمه مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، تحقیق: مؤسسه آل‌البتیت، ط ۱، ۶ ج، آل‌البتیت، قم، س ۱۴۱۵ هـ.ق.

- خلاصة الأقوال، علامه حلي (حسن بن يوسف)، تحقيق: جواد قيومي، قم، مؤسسه نشر اسلامي، ط ١، س١٤١٧ هـ. ق.
- رجال ابن الغضائري (احمد بن حسين) تحقيق: محمدرضا حسيني جلاي، ط١، دار الحديث، س١٤٢٢ هـ. ق.
- رجال البرقي، أحمد بن محمد بن خالد برقي، تحقيق: محمدرضا قيومي، ج١، ط١، قم، نشر اسلامي، س٤٢٠ هـ. ق.
- رجال الخاقاني، علي خاقاني، تحقيق: محمصدق بحر العلوم، ط ٢، مركز نشر الاعلام الاسلامي، س١٤٠٤ هـ. ق.
- رجال الطوسي (محمد بن حسن)، تحقيق: محمدرضا قيومي، ج١، ط١، قم، نشر اسلامي، س١٤٢٠ هـ. ق.
- رجال النجاشي، ابو العباس (احمد بن علي)، تحقيق: موسي زنجاني، ج١، ط٦، نشر اسلامي، س١٤١٨ هـ. ق.
- سير اعلام النبلاء، ذهبي (شمس الدين)، تحقيق: محمد نعيم العرقوسي، مأمون صاغر جي، ط٩، بيروت - لبنان، مؤسسة الرسالة، س١٤١٣ هـ. ق، ١٩٩٣ م.
- عدة الاصول الفقه، شيخ طوسي (محمد بن حسن)، تحقيق: محمد رضا انصاري، ج٢، ط١، قم، نشر ستاره، س١٣٧٦ هـ. ش، ١٤١٧ هـ. ق.
- الفوائد، وحيد بهبهاني، (ضمن رجال خاقاني)، وحيد بهبهاني، ط١، تحقيق: حسن خاقاني، قم، مكتب إعلام اسلامي، ١٤٠٤ ق.
- الفهرست شيخ طوسي (محمد بن حسن)، تحقيق: محمد صادق بحر العلوم، نجف اشرف مكتبة المرتضويه، بي. تا.
- الفهرست، ابن نديم، تهران، چاپ تجدد، س١٣٥٠ هـ. ش.
- قاموس الرجال، محمدتقي تستري، ج١٢، ط١، قم، نشر اسلامي، س١٤٢٢ هـ. ق.
- الكافي، كليني (محمد بن يعقوب)، ج٨، ط٤، تهران، دار الكتب الاسلاميه، س١٣٦٥ هـ. ش.
- كليات في علم الرجال، جعفر سبحاني، ج١، ط٣، قم، مؤسسة نشر اسلامي، س١٤١٩ هـ. ق.
- مستدرک الوسائل الشيعه، ميرزا حسين نوري، ج٣، قم، اسماعيليان، چاپ سنگي، س١٣٦٣ هـ. ق.
- مستدرکات علم رجال الحديث، علي نمازي شاهرودي، ط١، تهران، شفق، س١٤١٢ هـ. ق.
- معجم المؤلفين، عمر كماله، بيروت - لبنان، مكتبة المثنى، دار احياء التراث العربي، بي. تا.
- معجم رجال الحديث، ابو القاسم خويي، ج٢٣، ط٣، قم، مدينة العلم، س١٤١٠ هـ. ق.
- من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق (محمد بن علي)، ج٤، ط٣، قم، نشر اسلامي، س١٤١٣ هـ. ق.
- منهج المقال، ميرزا محمد استرآبادي، چاپ سنگي، بي. تا.
- وقعة صفين، نصر بن مزاحم، ج٢، قاهره، عبدالسلام محمد هارون، س١٣٨٢ ق، افست قم ١٤٠٤ ق.
- نرم افزار دراية النور، مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى نور، قم.